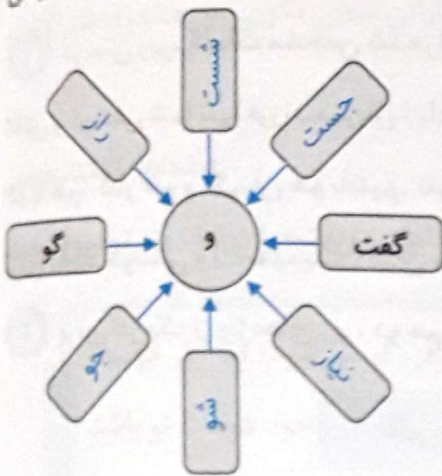




املا و دانش زبانی

صفحه‌های ۲۹ و ۳۰ کتاب درسی

۱ مانند نمونه واژه‌هایی از متن درس بیابید و در شکل بنویسید.



۲ با توجه به علامت‌ها و واژه‌های نوشته شده، جمله‌های متناسب با آنها را از متن درس پیدا کنید و بنویسید.

...برد تیغ و بنداخت ... از بر سرش ... فروریخت چون رود خون از برش ...

رخش، می‌کوشد تا با کوفتن سُم بر زمین، رستم را از وجود اژدها آگاه کند ...

رستم، با پشت سر گذاشتن هفت مرحله‌ی بسیار دشوار و خطرناک، یاران خود را از بند دیوان، نجات می‌دهد

و به ستایش یزدان می‌پردازد.

الف) یک نمونه مبالغه که در صحبت‌هایتان به کار می‌برید، بنویسید.

مثال: صد دفعه گفتم — در اصل گوینده صد بار گفته، بلکه چند بار تکرار کرده است.

صف نانوايي یک کیلومتر بود — گوینده می‌خواهد بگوید صف نانوايي طولاني بوده اما قطعاً به یک کیلومتر نمی‌رسیده.

ب) معنای دور و معنای نزدیک کنایه‌ی زیر را بنویسید.

آب در هاون کوبیدن

- معنای دور: کار بی‌هوده و بی‌حاصل کردن.
- معنای نزدیک: آب را در هاون بریزیم و بکوبیم.

صفحه‌ی ۳۱ کتاب درسی

نگارش

۱ بیت زیر را به نثر ساده بازنویسی کنید. خورشید و جوشید و برکند خاک ز صُفْش زمین شد همه، چاک چاک

(رخش) شبیه‌ی بلندی کشید و خاک را با سُمش کند. از ضربه‌ی سم او زمین ترک خورد.

۳ یک نمونه مبالغه از متن درس ذکر کنید و آن را توضیح دهید.

فروریخت چون رودخون از برش — خون اژدهایی که توسط رستم کشته می‌شود، آنقدر زیاد است که به جاری شدن یک رودخانه تشبیه شده (مبالغه به کار رفته؛ زیرا بی‌شک خون آن قدر نبوده که رودی از خون راه بیفتد).

۱ برداشت خود را از ضرب‌المثل «نوش دارو بعد از مرگ سهراب» در یک بند بنویسید.

انجام هرکاری به ویژه کمک کردن به دیگران، باید در زمان مناسب و به‌موقع انجام شود، و گرنه تأثیر و فایده نخواهد داشت. مانند نوش دارویی که رستم با سختی برای بهبود زخم سهراب تهیه کرد، اما چون بعد از مرگ به‌وی رسید، فایده‌ای نداشت.
(نوش دارو، دارویی است که علاج‌کننده‌ی همه‌ی دردها و بیماری‌هاست و در اصل، داروی بی‌مرگی و زندگی‌بخش است. این دارو وجود خارجی ندارد و فقط در افسانه‌ها نام آن آمده است.)

درک متن

ب) جاهای خالی را با «اما، ولی، بنابراین، و» کامل کنید.

چند وقت پیش داستانی درباره‌ی خیر و شر خواندم. اینکه سال‌ها پیش خیر و شر برای شنا کردن به دریا رفتند. اما... شر زودتر از آب بیرون آمده... و... لباس‌های خیر را پوشید... بنابراین... خیر هم برای اینکه برهنه نماند، مجبور شد لباس‌های شر را بپوشد. و حالا سال‌هاست که آدم‌ها خیر و شر را اشتباه می‌گیرند.

هنر و سرگرمی

۱ جمله‌های نوشته شده در جورچین زیر را شماره‌گذاری کنید و داستان آن را بخوانید.

نگهبان	۱	بامداد صاحبان مال دیدند	۳	کاروانی
که شتران و بار آن‌ها ناپدید شده		است		
شب		گفت: «دزدان»	۵	
به خواب رفت.	۸	نقابدار،		
گفت: «تعداد		کاروان را غارت		
آن‌ها زیاد بود و من تنها		را		
بودم».		غارت کردند».		
به باسبان پرخاش کردند که چه پیش آمده است؟	۴			
و مال مردم	۶	گفتند:	۹	
گفتند: «مگر		«اگر نمی‌توانستی با آن‌ها مبارزه کنی،		
تا سنگ بودی؟		باید فریاد و		
را به یغما بردند.		هیاهو می‌کردی		
تا بیدار شویم».				
گفت: «در		چرا جلوی آن‌ها	۷	
آن هنگام		را نگرفتی؟»		
شمشیر		کشیدند و گفتند اگر فریاد و هیاهو کنی		
تو را می‌کشیم».	۱۰			
من نیز	۱۱	اما اکنون هر قدر	۱۲	
از ترس		بخواید		
خاموش		برایتان		
گشتم،		فریاد می‌کشم!»		